

یادداشت

۴۰ روز زخم و داغ و پرشش

آقای رئیس‌جمهور! ۴۰ روز پرتلاطم گذشت. آمار رسمی را ملاک می‌گذاریم. سه‌هزارو ۱۱۷ قربانی و چندین هزار مجروح روی دست ما مانده و سخت سنگینی می‌کند. دست ما و دل ما نه می‌تواند این بار سنگین را تاب بیاورد. نه می‌تواند آن را زمین بگذارد. مگر آنکه بی‌هول و هراس بگویید، چنان بگویید که نتوان باور نکرد. همه گفته‌اند بیشتر از دو هزار نفر از کشتگان، شهیدان‌اند. پیش‌تر از آنکه شهیدان خود شهادت بدهند که چه بر آنان گذشت، پرده از راز بردارید و نگذارید این سؤال مانند گریه‌ی کور بر نقشه ایران‌زمین همه چیز را در خود فرو ببرد.

کسانی هستند که امید بسته‌اند که با توپ و تفنگ و موشک و بمب خارجی بر سریر قدرت تکیه بزنند. مباد چنان روز که بی‌آفتاب خواهد بود.

پس آقای رئیس‌جمهور! با تاباندن نور حقیقت بر این روزهای خاکستری و شب‌های تبا‌لود، آن امیدهای نامیمن را ناامید کنید و به جایش کمی امید در دل‌های زخم‌خورده ایرانیان بنشانید که امید تنها سرمایه و آخرین تیر ترکش ایشان بود. آقای پزشک‌یکان! شاید شما وعده‌های خود را فراموش کرده باشید؛ اما مردم وعده‌های شما را فراموش نکرده‌اند. به بقای ایران و مردمی اندیشه‌کنید که «این داغ بر دل خونین نهاده‌اند» و مرهم می‌خواهند، نه ترحم.

می‌خواهید حقیقت را بیابید؟ شمه‌ای بگویید از آنچه تاکنون یافته‌اید و سپس آتان را برای یافتن حقیقت به کار گمارید که جز به حقیقت سر و دل نسپردند. مردم صاحبان حکومت‌اند، نامحرمشان ندانید.

فیلترینگ؛سیاستی که مردم را به تخلف برای زیستن واداشت

در فلسفه حقوق، تفاوت میان تنظیم‌گری و منع‌گرایی بنیادین است. تنظیم‌گری واقعیت را می‌پذیرد و آن را در چارچوب قواعد شفاف، مسئولیت‌پذیری و نظارت عمومی مدیریت می‌کند؛ منع‌گرایی اما بر انکار بنا شده است و می‌پندارد با بستن در، واقعیت از میان می‌رود. فیلترینگ در ایران نمونه‌ای از حکمرانی از راه انکار است: انکار نیازهای واقعی مردم برای ارتباط، کسب‌وکار، آموزش و مشارکت؛ انکار ماهیت جهانی و غیرقابل‌محصور شدن اینترنت؛ انکار ناکارآمدی ابزارهای مسدودسازی در دوره‌های گذشته و مهم‌تر از همه، انکار این حقیقت که سیاستی که روزانه توسط میلیون‌ها نفر نقض می‌شود، نه اقتدار حقوقی می‌آورد و نه نظم، بلکه تصمیمات حاکمیتی را به موانعی تبدیل می‌کند که باید دور زده شوند. این همان «فرسایش اقتدار» است؛ جایی که قدرت ابزار اجبار دارد اما مشروعیتش را از دست داده است. این همان اندیشه‌ای است که هربرت هارت بر آن تاکید می‌کند: اقتدار حقوقی تنها زمانی پایدار است که مردم قواعد را از سر پذیرش بپذیرند، نه از سر اجبار و هرگاه اجبار جایگزین پذیرش شود، خود اجبار بنیان اقتدار را می‌ساید.

در لایه‌ای عمیق‌تر، فیلترینگ یک اقتصاد پنهان و قدرتمند نیز ساخته است. هرچا منع‌گسترده و غیرواقعیت‌انه ایجاد شود، بازار سیاه شکل می‌گیرد. فیلترینگ یک بازار چند هزار میلیاردی برای فروش VPN و ابزارهای دورزدن محدودیت ایجاد کرده؛ بازاری که نه تنها محصول این سیاست است، بلکه به‌تدریج به یکی از حامیان بقای آن تبدیل می‌شود. وقتی یک سیاست عمومی برای گروه‌هایی درآمده‌ای نچوومی و غیرشفاف ایجاد می‌کند، اصلاح آن به‌طور طبیعی با مقاومت‌های پنهان و آشکار مواجه می‌شود. اینجا دیگر فقط بحث امنیت و اخلاق و جنگ نرم نیست؛ بحث تعارض منافع است.

در کنار همه اینها، دغدغه‌های فرهنگی، اخلاقی، هنجاری و امنیتی نیز وجود دارند و قابل احترام‌اند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند نسبت به سلامت فضای مجازی، امنیت داده‌ها، یا پیامدهای فرهنگی و اجتماعی بی‌تفاوت باشد. اما پرسش بنیادین اینجااست: این دغدغه‌ها تا چه زمانی باید مبنای مداوم محدودیت‌های فراگیر باشند؟ و مهم‌تر از آن، آیا این محدودیت‌ها واقعا این دغدغه‌ها را کاهش داده‌اند یا خود به عاملی برای تشدید همان نگرانی‌ها تبدیل شده‌اند؟ تجربه روزمره مردم نشان می‌دهد که فیلترینگ نه تنها مانع آسیب‌ها نشده، بلکه مسیرهای غیرشفاف، دسترسی‌های کنترل‌نشده و مواجهه‌های ناخواسته را افزایش داده است، یعنی همان دغدغه‌هایی‌که به نام آنها محدودیت وضع شده، در عمل شدیتر شده‌اند.

در همین نقطه است که تناقض میان هدف ادعایی و نتیجه عملی فیلترینگ، به‌عنوان یکی از کانونی‌ترین آسیب‌ها رخ می‌نماید و در همین چارچوب است که باید دید چگونه سیاستی که ادعا می‌کند برای صیانت است، عملاً مردم را در موقعیتی قرار داده که برای انجام ابتدایی‌ترین امور زندگی ناچار به تخلف روزمره شوند. شهروندی که برای ثبت‌نام، کار، ارتباط و آموزش باید هر روز یک قاعده رسمی را دور بزند، نه «قانون‌گریز» است و نه «بی‌اخلاق»؛ او محصول ساختاری است که راه عادی زیستن را بر او بسته و او را به زیست در حاشیه قاعده‌ها سوق داده است. در دست در همین نقطه است که پیامدهای پنهان فیلترینگ آشکار می‌شود: وقتی شهروند برای دسترسی به یک سرویس ساده مجبور به استفاده از ابزارهای ناشناس و غیرقابل اعتماد می‌شود، سطح مواجهه او با تبلیغات سیاسی ناخواسته، محتوای غیراخلاقی، قمار، کلاهبرداری، بدافزارها، سرقت داده و ردیابی‌های پنهان افزایش می‌یابد. یعنی سیاستی که برای حفاظت از جامعه وضع شده، خود دروازه‌ای باز می‌کند به سوی همان خطراتی که مدعی مقابله با آنهاست. همان‌گونه که اندیشمندان رسانه می‌گویند، وقتی سیاست واقعیت را انکار کند، واقعیت از مسیرهای غیرقابل کنترل بازمی‌گردد. فیلترینگ، به‌جای آنکه سیری برای صیانت باشد، به موتور تولید بی‌نظمی و تشدید دغدغه‌ها تبدیل شده است؛و این نه نتیجه ضعف مردم، بلکه حاصل طراحی سیاستی است که مردم را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای زیستن ناچار به تخلف شوند.

هشدار درباره گسترش اینترنت ماهواره‌ای و رویت ده‌ها هزار آی‌پی استارلینک در شبکه داخلی، نشانه هر حله جدیدی از این بحران است. فیلترینگ نه تنها مردم را در داخل نگه نداشته، بلکه آنها را به سمت فناوری‌هایی سوق داده که اساسا خارج از کنترل ساختارهای فعلی حکمرانی‌اند. این همان پارادوکس حکمرانی از راه منع است: هرچه فشار بیشتر، مهاجرت تکنولوژیک سریع‌تر و حاکمیت حاشیه‌نشین‌تر می‌شود.

پس پرسش اساسی این است: فیلترینگ تاکی؟ این پرسش، پرسش از سرنوشت یک ابزار فنی نیست؛ پرسش از سرنوشت یک شیوه حکمرانی است. تا زمانی که ساختار تصمیم‌گیری شفاف نشود، مصوبات بالادستی در معرض نقد عمومی قرار نگیرند، تعارض منافع شناسایی و مهار نشود و سیاست‌گذاری دیجیتال بر مبنای شواهد، ارزیابی اثرات و مشارکت عمومی قرار نگیرد، فیلترینگ نه تنها باقی خواهد ماند بلکه پیچیده‌تر، پرهزینه‌تر و بی‌اثرتر خواهد شد.

به مسئولان باید صریح گفت: اگر می‌خواهید امنیت، عدالت و توسعه را هم‌زمان حفظ کنید، راهش پنهان‌کاری و ممنوعیت گسترده نیست؛ راهش شفافیت، قانون‌گذاری مبتنی بر شواهد، ارزیابی مستقل اثرات، مکانیسم‌های پاسخ‌گویی و مشارکت عمومی است. سیاست‌گذاری دیجیتال نیازمند قواعد روشن، مهلت‌های بازنگری، سازوکارهای نظارتی و تضمین حقوق شهروندی است.

نتیجه روشن و تلخ است: ادامه این مسیر نه با منطق حقوق عمومی سازگار است، نه با مصالح حکمرانی و نه با کرامت شهروندان. اگر قرار است از این نرس‌بست بیرون بیاییم، باید از فیلترینگ به‌عنوان «ابزار منع» عبور کنیم و به تنظیم‌گری شفاف، پاسخ‌گو و مبتنی بر حقوق عامه برسیم. مردم، دیر یا زود، راه خود را پیدا می‌کنند؛ حکمرانی‌ای که نتواند با واقعیت همراه شود، دیر یا زود از مردم عقب می‌ماند و آنچه از دست می‌دهد دیگر صرفا ابزار کنترل نیست؛ سرمایه اعتماد و مقبولیت است و این، بزرگ‌ترین باخت برای هر حکومتی است که می‌خواهد پایدار بماند.

شرق: کرملین وانمود می‌کند دنبال «پایان جنگ» است، اما فقط اگر پایانش شبیه پیروزی باشد. هم‌زمان با ورود هیئت‌ها به ژنو، مسکو فشار را از دو مسیر بالا برد: اول، تشدید حملات به شبکه انرژی و زیرساخت‌های حیاتی اوکراین در میانه زمستان؛ دوم، تاکید دوباره بر مطالبات سیاسی و سرزمینی که عملاً قرار است دولت زلنسکی را از درون فرسوده کند. واشنگتن در نقش میانجی می‌ایستد، اما کی‌یف و پایتخت‌های اروپایی، تضمین امنیت پسا‌جنگ را از آمریکا می‌خواهند و مسکو هر حضور صلح‌بان غربی را رد می‌کند. پرسش کلیدی این است که دونالد ترامپ تا کجا حاضر است برای بستن توافق، پای تعهدات امنیتی واقعی بایستد؟

در همین قاب، یک محاسبه زمانی هم روی میز است. مقام‌های غربی در ارزیابی‌هایشان از تزلزل اقتصاد روسیه و بالارفتن تلفات می‌گویند و از اینکه مسکو در دو ماه گذشته بیش از آنچه جایگزین کند، نیرو از دست داده است، در نگاه کرملین، پنجره رسیدن به توافق «مطلوب» ممکن است کوچک‌تر شود، چون با نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، دولت آمریکا می‌تواند گرفتار سیاست داخلی شود و حتی اگر کنگره تحت کنترل دموکرات‌ها برود، تصمیم‌گیری ترامپ سخت‌تر خواهد شد. همین ترس از «کاهش دست باز» واشنگتن، به انگیزه‌ای برای فشار بیشتر در کوتاه‌مدت تبدیل شده است.

اما در آن سوی میز، نشانه‌ای از عقب‌نشینی واقعی دیده نمی‌شود. افرادی که در جریان گفت‌وگوها بوده‌اند می‌گویند مسکو حاضر نیست از مطالبات اصلی خود کوتاه بیاید، از جمله اینکه اوکراین بخشی از سرزمین را واگذارد کند. به نوشته واشنگتن پست، یکی از افراد نزدیک به مذاکرات، که تناقض را بی‌پرده توصیف کرده است: روس‌ها شاید «صلح» بخواهند، اما فقط «صلح تحت شروط خودشان». این فرد می‌گوید با وجود حرف‌های عمومی درباره «برپابودن» گفت‌وگوها، عملاً روند پیش نمی‌رود و هر چه بوده، همان توافق‌های محدود قبلی است.

در این میان، مسکو یک بازی مکمل هم با واشنگتن

راه انداخته است: پیشنهاد معامله‌های اقتصادی و حتی

شراکت‌های امنیتی در گفت‌وگوهای جداگانه با آمریکا.

هدف، نگه‌داشتن تیم ترامپ «در مدار» و دورکردن سایه

تحریم‌های تازه است. یک مقام روس صریح گفته این مانور

برای فرار از بسته‌های تحریمی جدیدی است که لیندزی

گراهام پیشنهاد می‌کند. این یعنی کرملین هم‌زمان که از

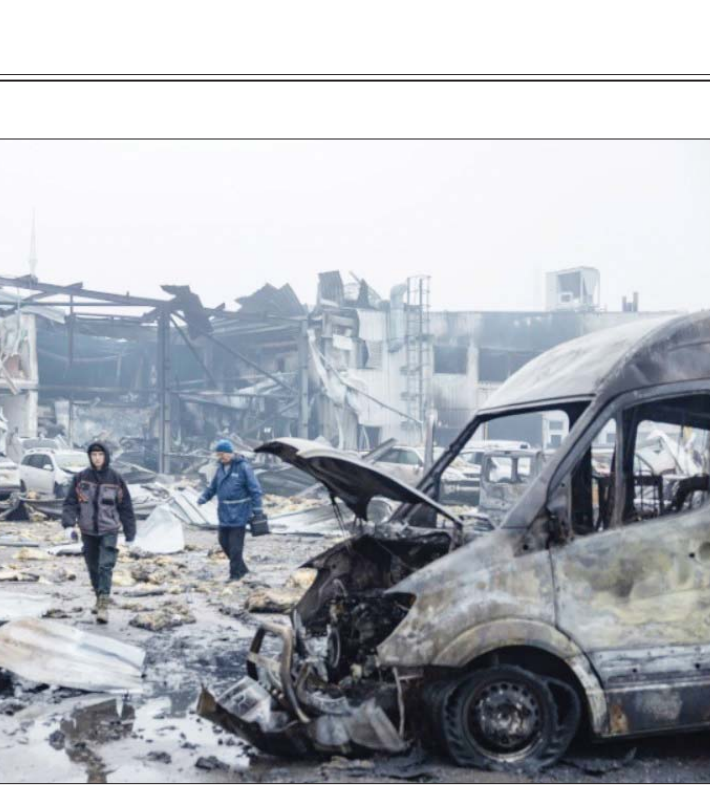
«دیپلماسی» حرف می‌زند، دیپلماسی را به مشوق اقتصادی و

و تهدید نظامی بسته‌بندی کرده است.

حمله زمستانی و مذاکرات ژنو

بازگشت ولادیمیر مدینسکی به صدر هیئت روسیه برای گفت‌وگوهای ژنو، از نگاه تحلیلگران نشانه‌ای است که مسکو می‌خواهد روی سخت‌ترین خواسته‌های سیاسی‌اش پافشاری کند. مدینسکی در گذشته حاکمیت اوکراین را زیر سؤال برده بود و حالا حضورش به این تعبیر گره می‌خورد که کرملین همچنان دنبال فرمولی است که با زلنسکی را کنار بزند یا ساختار دولت اوکراین را از معنا تهی کند. پیام سیاسی این انتخاب ساده است: مسکو صرفا دنبال پایت آتش‌بس نیست، دنبال دست‌بردن در معادله قدرت در کی‌یف است.

حمله‌های نظامی هم دقیقاً روی همان خط فشار



حمله موشکی پیش از مذاکرات سه‌جانبه؛ پیام روشن پوتین به کی‌یف

ژنو تحت فشار مسکو

حرکت می‌کند. در اودسا، حملات شبانه به زیرساخت‌های غیرنظامی و انرژی گزارش شد و سه نفر زخمی شدند؛ در دنیرو هم اهداف مشابهی زده شد. این ضربات بخشی از کمپین زمستانی برای فلج‌کردن سیستم انرژی اوکراین توصیف شده است، کمپینی که صدها هزار نفر را در سرما و تاریکی گذاشته و در مواردی حتی تأمین آب را مختل کرده است. آندری سیبیها در پیامی در ایکس نوشت مسکو فقط «زبان فشار» را می‌فهمد و بدون پشتوانه قدرت، دیپلماسی را جدی نمی‌گیرد.

در سطح اعداد، روایت جنگ در ژانویه تیزتر می‌شود. وزارت دفاع اوکراین گفته روسیه در ژانویه ۹۱ موشک بالستیک شلیک کرده که بالاترین رقم ماهانه از آغاز تهاجم تمام‌عیار بوده است. ولودیمیر زلنسکی هم گفته در همان ماه، روسیه شش هزار پهپاد تهاجمی، حدود پنج هزار و ۵۰۰ بمب هدایت‌شونده و ۱۵۸ موشک از انواع مختلف شلیک کرده و بخش عمده این حجم، انرژی و زیرساخت‌های حیاتی را هدف گرفته است. این اعداد برای میز مذاکره هم معنا دارد: هر موج حمله، ابزار چانه‌زنی را تیزتر می‌کند و هزینه اجتماعی مقاومت را بالا می‌برد.

هم‌زمان، فشار از واشنگتن هم بالاتر رفت. دونالد ترامپ دوشنبه‌شب در هواییمای ریاست‌جمهوری به خبرنگاران گفت: «اوکراین بهتر است سریع‌را سر میز مذاکره بیاید». هیئت آمریکا در ژنو شامل استیو ویتکاف فرستاده ترامپ، جرد کوشنر داماد ترامپ و دنیل دریسکل وزیر ارتش آمریکا بودند. روسیه هم ایگور کوسویوکوف، رئیس اطلاعات نظامی را فرستاد که هفته قبل گفت‌وگوهای بودوبسی را هدایت کرده بود و هیئت اوکراین را کی‌ریلو بودانوف، رئیس پیشین اطلاعات نظامی که اکنون رئیس دفتر زلنسکی است، رهبری کرد. با این ترکیب و با مطالبات ثابت مسکو، تحلیلگران احتمال «جهش» در ژنو را پایین می‌دانند.

تاتیانا استانووایا، پژوهشگر ارشد مرکز روسیه اوراسیا در کارنگی به واشنگتن‌پست می‌گوید شاید در برخی موضوعات پیشرفت‌های محدود رخ دهد اما یک بلوک از مسائل اصولی، به‌ویژه موضوعات سیاسی و تضمین‌های امنیتی، بی‌مصلاحه می‌ماند. او تاکید می‌کند اوکراین در تضمین امنیتی عقب نمی‌نشیند و روسیه هم از مطالبات خود عقب نمی‌رود. معنای عملی این حرف، برای روز دوم جنگ و صلح، روشن است: حتی اگر روی جزئیات فنی توافق شود، جایی که «امنیت» و «قدرت سیاسی» شروع می‌شود، مذاکرات دوباره قفل می‌کند.

نگرانی اروپا و فهرست مطالبات مسکو

در پایتخت‌های اروپایی، ترس اصلی این است که روسیه سر میز مذاکره چیزی را بگیرد که در میدان به آن نرسیده است. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ گفته بزرگ‌ترین تهدید این است که مسکو در مذاکره بیش از دستاوردهای میدان امتیاز بگیرد. او به این هم اشاره کرده که پیشروی‌های روسیه حداقلی بوده، اما بهای انسانی سنگینی داشته و از رقم ۱۰۲ میلیون کشته و زخمی سخن گفته است. این نگاه اروپایی، عملاً معادله را به سمت «مهار امتیازدهی» هل می‌دهد، نه صرفا «پایان درگیری».

از منظر خواسته‌های سیاسی، فهرست بلند است. مسکو تضمین می‌خواهد که اوکراین به ناتو نپیوندد و

حتی از ممنوعیت «ملی‌گرایی اوکراینی» صحبت می‌شود. استانووایا می‌گوید همین تمرکز بر مطالبات سیاسی توضیح می‌دهد چرا پوتین مدینسکی را می‌فرستد: پیام این است که پرونده فقط مزبندی نیست، بلکه مهندسی هویت سیاسی اوکراین است. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که در آن هر توافقی بدون تضمین امنیتی سخت، می‌تواند به مکتی کوتاه و بعد موج بعدی حمله تبدیل شود.

انتخابات، دونباس، تضمین ۲۰ساله

اوکراین تلاش می‌کند به دولت ترامپ نشان دهد مانع توافق نیست. زلنسکی در مونیخ گفته آماده است تحت فشار واشنگتن، مسیر انتخابات ریاست‌جمهوری را بپذیرد، اما تاکید کرده برای برگزاری امن انتخابات، دست‌کم آتش‌بس دوماهه لازم است. در عین حال، قانون اوکراین رأی‌گیری در زمان جنگ را ممنوع کرده و بسیاری از کارشناسان انتخابات دموکراسی می‌گویند با اشغال بخش‌های بزرگی از خاک، حضور میلیون‌ها پناهنده در خارج، آوارگی داخلی و استقرار صدها هزار سرباز در خط مقدم، رساندن انتخابات به معیارهای بین‌المللی بسیار دشوار است. اینجا «انتخابات» تبدیل به ابزار فشار می‌شود، نه فقط سازوکار مشروعیت. حتی بحثی حساس‌تر هم مطرح شده است: عقب‌کشیدن اوکراین از دونباس. دولت زلنسکی به صورت تلویحی گفته ممکن است با خروج نیروها از مناطق به‌شدت مستحکم دونباس که مسکو خواهان واگذاری آن است و در چهار سال جنگ نتوانسته کامل تصرفش کند، موافقت کند؛ اما فقط در صورتی که آمریکا اول تضمین‌های امنیتی «حقوقی و آبنبندی‌شده» بدهد و فقط اگر منطقه به ناحیه غیرنظامی تبدیل شود. این شرط‌گذاری، اعتراف به واقعیت تلخ صحنه است: عقب‌نشینی بدون چتر امنیتی، یعنی بازکردن راه بازگشت روسیه.

چند تحلیلگر و برخی مقام‌های اروپایی هشدار داده‌اند اگر تضمین‌ها شل و ول باشد، روسیه از فرصت استفاده می‌کند و دوباره جلو می‌آید. اریک سیاراملا، پژوهشگر کارنگی که در دوره اول ترامپ در شورای امنیت ملی کار کرده، می‌گوید پوتین ممکن است در چنین تریبی «ارزش تاکتیکی» ببیند، چون بعد از خالی‌شدن منطقه از نیروهای اوکراینی، جلوگیری از ورود دوباره نیروهای روسی عملاً ناممکن می‌شود و حتی ممکن است «بدون شلیک گلوله» جنگ و زلنسکی هم دوشنبه در ایکس هشدار داده اجاره‌دادن به متجاوز برای «رفتن چیزی» اشتباه بزرگ است، چون می‌تواند به بازسازی ارتش روسیه و شروع دوباره حمله منجر شود.

زلنسکی در مونیخ گفته اوکراین به توافقی دست‌کم ۲۰ساله برای تضمین‌های امنیتی نیاز دارد و می‌خواهد دقیقاً روشن باشد آمریکا چه کمکی به نیروهای اروپایی خواهد کرد. مقام‌های اوکراینی هشدار داده‌اند واگذاری دونباس، از جمله شهرهای موسوم به «دژ» مثل کراماتورسک و اسلوویانسک، اوکراین را در برابر حمله‌های بعدی بی‌دفاع‌تر می‌کند. یک مقام امنیتی اوکراین گفته اگر دونباس واگذارد شود شاید برای شش ماه یا یک سال (نفسی تازه، ایجاد شود، اما روسیه در همین فاصله دوباره مسلح می‌شود و بعد موج جدیدی از تشدید درگیری می‌آید و دفاع سخت‌تر خواهد شد. روز دوم هر توافق، دقیقاً از همین‌جا شروع می‌شود: از اینکه مکث کوتاه را با صلح اشتباه نگیرند.

آگهی دعوت به مجمع فوق العاده مالکان برج تجاری و

اداری ستین شهرک غرب (نوبت دوم)

بدین وسیله از کلیه مالکان محترم واحدهای اداری و تجاری برج ستین (سینا) شهرک غرب و یا (نماینده قانونی ایشان) دعوت به عمل می‌آید با به همراه داشتن مدارک شناسایی با معرفی نامه رسمی در جلسه مجمع فوق العاده (نوبت دوم) که در روز پنج شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ ساعت ۱۴:۰۰ در طبقه دوم برج ستین واقع در آدرس: تهران ، شهرک غرب، میدان صنعت ، بلوار فرزادری ، بعد از حسن سیف ، برج اداری تجاری ستین برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع :

۱.برگزاری انتخابات هیات مدیره

بدین وسیله از کلیه اعضای که مایل به کاندیداتوری عضویت در هیئت مدیره و یا سمت بازرس می باشند، درخواست می‌شود حداکثر تا سه روز قبل از تاریخ برگزاری مجمع، مراتب را به صورت کتبی به دفتر هیئت مدیره اعلام نمایند.

هیات مدیره برج تجاری اداری ستین

گزارش

بول سیاه نفت

در همین زمینه مرتضی افقه، دیگر اقتصاددان هم با اشاره به اظهارنظر اخیر غلامرضا نوری قزلبچه، وزیر کشاورزی،

مبنی بر اینکه فروش نفت به واردکنندگان نهاده‌های دامی واگذار می‌شود، به «شرق» می‌گوید: «سؤالی که مطرح می‌شود، درواقع ناظر به یک تناقض جدی است.

واردکننده نهاده دامی سال‌ها در یک حوزه مشخص فعالیت کرده، شبکه تأمین خود را شناخته، مسیرهای حمل‌ونقل، انتقال پول و ریسک‌های تجاری کالای خاص خود را یاد گرفته و در همان چارچوب تخصص پیدا کرده است. تجارت بین‌الملل حتی در کالاهای عادی هم نیازمند تجربه، ارتباطات بانکی، شناخت بازار و مدیریت

ریسک است؛ چه برسد به کالایی مانند نفت که بازاری کاملاً تخصصی، مشتریان محدود، قراردادهای پیچیده و نظارت‌های بین‌المللی گسترده دارد. نفت کالایی معمولی نیست که بتوان آن را مانند هر کالای دیگر خریدوفروش کرد. بازار آن شناخته‌شده و حرفه‌ای است. حمل‌ونقل آن نیازمند ناوگان و بیمه خاص است

و به‌ویژه در شرایط تحریم، زیر ذره‌بین نهادهای نظارتی بین‌المللی قرار دارد. حال اگر فرد یا شرکتی که سابقه فعالیتش صرفاً واردات یک کالای مشخص بوده، ناگهان مأمور فروش نفت تحریمی شود، این پرسش منطقی مطرح می‌شود که چگونه بدون تجربه، زیرساخت و تخصص لازم می‌تواند وارد چنین عرصه‌ای شود؟ تجارت نفت در شرایط تحریم نه ساده است و نه کم‌ریسک؛ بنابراین می‌رود آن به بازرگان غیرمختصص، از منظر حرفه‌ای قابل دفاع به نظر نمی‌رسد». او در ادامه می‌گوید: «استدلالی که معمولاً مطرح می‌شود، دوزدن تحریم‌هاست؛ یعنی اینکه فروش به نام دولت نباشد و از طریق افراد انجام شود. اما حتی اگر این هدف در نظر گرفته شود، پرسش بعدی درباره تضمین بازگشت پول است. چه سازوکاری وجود دارد که اطمینان دهد منابع حاصل از فروش به کشور بازمی‌گردد؟ تجربه‌های گذشته نشان داده که در نبود نظارت دقیق، امکان سو-استفاده و انحراف منابع وجود دارد. وقتی فروش در قالب شبکه‌های غیررسمی انجام شود، ریسک بازنگشتن پول یا طولانی‌شدن فرایند تسویه بالا می‌رود. رمورد رقم ۱۱ میلیارد دلار، اگر چنین مبلغی واقعا بازنگشته باشد، برای کشوری که با محدودیت منابع ارزی مواجه است، رقم بسیار بزرگی است. این میزان ارز می‌توانست در تأمین واردات کالاهای اساسی، تثبیت بازار ارز یا کاهش فشار بر معیشت مردم نقش داشته باشد. از یک سو، نیامدن آن به معنای کاهش منابع در دسترس دولت است؛ از سوی دیگر، اگر بازگرد، به منظور بزرگی چاهی بر بهبود وضعیت ارزی داشته باشد، بنابراین مسئله فقط یک عدد نیست، بلکه اثر مستقیم بر اقتصاد و زندگی مردم دارد». این اقتصاددان می‌گوید: «همچنین این پرسش جدی مطرح می‌شود که در ساختاری که ادعای نظارت گسترده دارد، چگونه ممکن است رقمی در این ابعاد وارد چرخه رسمی نشود یا بازگشت آن با مشکل مواجه شود؟ اگر بخشی از ناگامی‌های اقتصادی ناشی از کمبود ارز است، طبیعی است که بازنگشتن چنین رقمی می‌تواند در تشدید این وضعیت نقش داشته باشد. در مجموع، تردید و تعجب از این نوع تصمیم‌ها از همین‌جا ناشی می‌شود: سپردن یک کالای استراتژیک و پیچیده به بازرگرانی خارج از حوزه تخصصی‌شان، آن هم در شرایط تحریمی و کمبود ارز، بدون تضمین شفاف برای بازگشت منابع.

چنین رویکردی اگر توجیه فنی و نظارتی روشنی نداشته باشد، نه منطقی به نظر می‌رسد، نه کم‌ریسک».

آگهی تجدید انتخابات انجمن صنفی کارفرمایي CNG کشور شماره ثبت ۳۲۳۲۲۲۲ مورخ ۸۳/۹/۳ – شناسه ملی ۱۴۰۱۲۸۹۰۹۶۶
به استناد ماده ۱۳۱ قانون کار و آئین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات ونحوه عملکرد انجمن های ستین و کانون های مربوط – مصوب آبان ماه ۱۳۸۹ هیئت وزیران – و مدارک ارسالی، اسامی اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره به مدت ۳ سال و بازرسان به مدت یک سال که در مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ انتخاب و سمت اعضای هیئت مدیره که در جلسه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ تعیین شده‌اند، به شرح زیر می باشد:
(آقای احسان جان محمدی- رئیس هیئت مدیره) - (آقای محسن جوهری-نایب رئیس)
(آقای رضایزکدار علیا- خزانه دار) - (آقای حمیدرضا سهرابی -دبیر وعضو اصلی هیئت مدیره) - (آقایان اصغرملکی، سعید صالحی و علیرضا مظلومی- اعضای اصلی هیئت مدیره) - (آقایان سینا عابدی و آبتین بخشابی- اعضای علی البدل هیئت مدیره) - (آقای رسول بوسعیدی-بازرس اصلی) - (آقای احمد کرجی-بازرس علی البدل)- به استناد ماده (۲۲) اساسنامه، کلیه مکاتبات اداری و اوراق عادی را امضای رئیس هیئت مدیره یا دبیر مههور به مهر تشکل و کلیه اسناد مالی، اوراق بهادار و قراردادهای تعهدآور که به تصویب هیئت مدیره رسیده باشند؛ با امضای مشترک رئیس هیئت مدیره یا دبیر با تفاق خزانه دار و مههور به مهر تشکل معتبر خواهد بود.

حمیدرضا پناه –مدیر کل سازمان های کارگری و کارفرمایي